

گروه حقوقی روزنامه جوان پذیرای مطالب جامعه حقوقی است. انتشار دیدگاه‌های حقوقی به منزله تأیید یا رد تمام محتوای آنها نیست.

پرسش حقوقی

آنچه از نظر نان می‌گذرد، فهرست پرسش‌های حقوقی و قضایی شما و پاسخ‌های و کلا به این پرسش‌هاست.

■ ■ ■

آیا والدین می‌توانند توافق کنند حضانت فرزندان اعم از دختر یا پسر تا زمان رسیدن به سن رشد، به عهده مادر باشد؟

حضانت هم حق والدین است و هم تکلیف آنان و طبق ماده ۱۱۶۸ قانون مدنی هر سبک از والدین می‌تواند حق حضانت خود را توافق به دیگری واگذارد کند و این قرارداد که نوعی عقد می‌باشد وفق ماده ۱۰ قانون مدنی لازم‌الوفاء است. بنابراین با توجه به مقررات قانونی که اولویت حضانت با مادر است، ممکن است حضانت فرزندان اعم از دختر یا پسر تا هفت سال یا بعد آن تا زمان رسیدن به سن رشد طبق توافق به عهده مادر گذاشته شود.

شخصی منزلی را اجاره می‌کند و در شرط ضمن عقد اجاره قید می‌شود مادام که مستأجر در محل مورد اجاره حضور دارد، حق واگذاری این منزل به دیگری را تحت عنوان اجاره یا رهن یا هر عنوان دیگری ندارد. آیا کلائی تحت عنوان وجه‌الر‌هانه و اجاره ماهانه از تالیی دریافت کند، عمل وی صرفاً واجد جنبه مدنی بوده و فاقد وصف کیفری است یا اینکه در این شرایط نوعی کلاهبرداری کرده‌است؟

در فرض سؤال، صرف تخلف مستأجر از شرط عدم انتقال مورد اجاره به غیر، ولو اینکه وجوهی را نیز تحت عنوان قرض‌الحسنه یا ودیعه که مرسوم است از منتقل‌الیه دریافت کرده یا نکرده باشد، چنانچه در اثنای مدت اجاره باشد، فاقد وصف کیفری است ولی چنانچه مستأجر پس از انقضای مدت در آمانکی که مشمول قانون روابط موجر و مستأجر سال ۵۶ نیست، مبادرت به انتقال منافع به غیر کرده باشد، از باب انتقال منافع ملک غیر، ممکن است با فرض احراز سونهیت و همه ارکان بزه قابل تعقیب کیفری باشد.

با توجه به اینکه بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و صندوق‌های قرض‌الحسنه در قرارداد‌های منعقده فی‌مابین خود و اشخاص ثالث برای عدم پرداخت اقساط در مهلت تعیین شده علاوه بر سود متعلقه به اصل وام سود علی‌حده و وجه‌الانترام تعیین می‌کنند آیا حکم به پرداخت سود اضافه بر اصل وام و سود متعلقه و نیز حکم به پرداخت وجه التزام و جاهت قانونی دارد؟

اولاً: با توجه به الزامی بودن رعایت مصوبات پولی و بانکی بانک مرکزی برای کلیه بانک‌ها در جمله در تعیین سود و جریمه در قرار داد‌ها و با توجه به ماده ۱۰ قانون مدنی، قرارداد‌هایی که در آن مازاد بر میزان تعیین شده بانک مرکزی سود و جریمه تعیین شده، فاقد اعتبار بوده و غیرقابل مطالبه است. نتیجتاً دعاوی مطالبه آنها نیز محکوم به بطلان است.

ثانیاً: بسا توجه به ماده واحده قانون تسری امتیازات خاص بانک‌ها به مؤسسات اعتباری غیربانکی مصوب سال ۱۳۸۱، ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا و تبصره‌های آن به مؤسسات یاد تشری دارد و تبصره‌های آن استثنا نشده است.

حبس زندانی



قاضی سلماسی در اقدامی جانب «تپه‌دو عدد کیسول اکسیژن و تهیه وسایل گرمایشی نظیر بخاری» را به عنوان مجازات جایگزین حبس برای جرم دخالت در اموال توقیفی در نظر گرفت.

در راستای روبه اخیر قوه قضاییه مبنی بر استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس برای مرتکبان جرائم با حبس‌های کوتاه‌مدت، محسن مرادی اوجقازی قاضی آذربایجان غربی، با در نظر گرفتن شرایط و ضوابط موجود، حکم حبس یک محکوم به دخالت در اموال توقیفی را به پرداخت‌های غیرنقدی تبدیل کرد.

در متن این حکم که بر اساس مفاد این‌نامه اجرایی ماده ۷۹قانون مجازات اسلامی تحریر شده، آمده است: حبس نامبرده به تهیه دو عدد کیسول اکسیژن و لوازم گرمایشی نظیر بخاری برای افراد تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی(ره) به میزان ۲۰ میلیون ریال جزای نقدی بدل حبس تبدیل می‌شود که نامبرده موظف است آن را با نظارت نهاد پذیرنده تهیه و گواهی آن را به اجرای احکام کیفری ارائه کند.

جریمه نقدی مجازات جایگزین برای خروج غیر قانونی

همچنین این قاضی سلماسی در دادنامه‌ای دیگر حک حبس یک فرد محکوم به «خروج غیرقانونی از مرز» را بر پرداخت هملیون ریال جزای نقدی جایگزین کرد. در این حکم نیز آمده است: حبس نامبرده به پرداخت هملیسیون ریال جزای نقدی بدل از حبس جهت کمک به دانش آموزان نیازمند با نظارت اداره آموزش و پرورش جایگزین می‌شود.

خرید عصا تاوان مانع شدن از ایفای حق

دیگر حکم جایگزین حبس از سوی قاضی مرادی اوجقاز برای یک فرد محکوم به «ممانعت از حق» بوده است که حکم حبس وی را به موارد غیرنقدی جایگزین کرده است. در متن این حکم آمده است: حبس نامبرده به تهیه لوازم راحتی برای افراد معلول و ناتوان مانند خرید عصا و ویلچر به مبلغ ۱۸ میلیون ریال با نظارت و معرفی کمیته امداد امام خمینی (ره) یا اداره بهزیستی شهرستان و نظارت نهادهای مزبور به عنوان نهاد پذیرنده جایگزین می‌شود.

لازم به ذکر است در همه این احکام ذکر شده است در صورت تعذر اجرای مجازات یا تخلف از اجرای آن یا اینکه اگر اجرائی تمام یا بخشی از آن با مانعی مواجه شود و در صورت عدم امکان رفع مانع یا ایجاد مانع توسط رفتار عمدی محکوم، مجازات حبس (اصلی) اجرا خواهد شد.

چهارشنبه ۱۷ آبان ۱۳۹۶ | ۱۹ صفر ۱۴۳۹

حقوقی

سرویس اجتماعی ۸۸۴۹۸۴۰۹

■ ■ ■



میزگرد «جوان» پیرامون اطلاع دادرسی با حضور کارشناسان و مسئولان حقوقی

تنظیم قوانین سلیقه‌ای در کنار کمبود امکانات دادرسی‌ها را اطلاع داده‌است

«اطاله دادرسی» یا همان طول کشیدن محاکمه قضایی یکی از موضوعات مهم و دغدغه‌ها ایرانیانی است که گذرشان به قوه قضائیه افتاده است. به عقیده فعالان حوزه حقوقی – قضایی، طول کشیدن روند رسیدگی به پرونده‌های قضایی منجر به هدررفت زمان هزینه مردم، بیت‌المال و حتی دور شدن مردم از دادگستری و در مواردی موجب بی‌اعتمادی هم شده است. طبق اعلام آخرین آمار در خرداد امسال، حجت‌الاسلام حمید شهریاری مسئول مرکز آمار قوه قضائیه گفته است ایران در مقیاسه با ۲۸

برای شروع و بحث بفرماباید اساساً وجود اطلاع دادرسی را در سیستم قضایی ایران قیبول دادرسی یا نه؟ اگر بر این عقیده هستید که اطلاع دادرسی وجود دارد، نتایج طولانی شدن روند رسیدگی در جامعه چیست و با چه راهکاری می‌توان با این موضوعات مواجه داشت؟

علی نجفی توانا:انتظار مردم از حاکمیت عمل به قانون، نظم و وظایف سه قوه اصولاً قانون‌گرای است. معمولاً وقتی اختلاف بین افراد جامعه به وجود می‌آید اگر قوه قضائیه با دقت و سرعت به آن رسیدگی کند، در مردم نوعی رضایتمندی، اعتماد به قوه قضائیه و دیگر قوه‌ها بیشتر خواهد شد. در غیر این صورت ممکن است حتی اختلافات کوچک حقوقی تبدیل به خصومت‌های ریشه‌دار شود.

مردم اگر ملاحظه کنند که دادگستری حق آنها را نمی‌سنجند و در جایگاه مرجع رسمی به پرونده‌های مردم امکان دادخواهی و اتخاذ تصمیم شایسته در مورد اختلافات برای آنها فراهم نیست قطعاً از روش‌های دیگر که غیرحقوقی است، مانند قصاص بدون محاکمه استفاده خواهند کرد.

ذبیح‌الله خداییان: بنده این‌ اعتقاد را ندارم که پرونده‌ها در دستگاه قضایی در طولانی‌مدت بررسی می‌شود، زیرا رسیدگی به بسیاری

از پرونده‌ها به دلیل کمیت آن و تشریفات قضایی که در قانون آیین دادرسی مدنی وجود دارد مانند پرونده‌های مفاسد اقتصادی منجر به

طولانی‌مدت بودن رسیدگی آن می‌شود و اگر زودتر از حد قانونی خود حکم صادر شود در واقع نقض قانون رخ داده است.

مثلاً نیاز به نظر به کارشناس، مدت زمان لازم برای احضار طرفین پرونده و مدت زمان لازم برای ابلاغ نظر کارشناس از مواردی است که برای انجام آن روند رسیدگی به پرونده‌های دستگاه قضایی در طولانی می‌کند. سالانه به ۱۵ میلیون پرونده در دستگاه قضایی رسیدگی می‌شود که این میزان نسبت به تعداد قضات و کارکنان، آمار بسیار بالایی است.

حسین محمدنوبی: یکی از عامل‌های اصلی

۴۵۰ ضروری نیست و بارها این‌موضوع را با مسئولان قضایی مطرح کرده‌ام. در صدد هستیم قوه قضائیه این لایحه را به مجلس تقدیم کند تا اصلاح این ماده به فوریت بررسی شود.

محمدنوبی: و کلاً در مجتمع‌های قضایی به مردم به طور رایگان خدمت می‌کنند. ما سال‌هاست در کانون و محافل قضایی پیشینه‌ساز داده‌ایم که حضور و کیل برای تنظیم شکوائیه را واجب کنند تا از بخشی از اطلاع دادرسی جلوگیری شود اما هم تعداد و کلاّی حاضر در مجتمع‌های قضایی کافی نیست، هم خود مردم به دلایل متعدد رغبتی به مراجعه به کارشناس نشان نمی‌دهند.

نجفی توانا: در بیشتر کشورهای جهان آسیب‌شناسی‌های انجام شده ثابت کرده که اگر قانونی متناسب با نیاز جامعه در دستگاه قضایی، تصویب و اجرا شود، پرسنل اداری از تخصص و سلامت لازم برخوردار باشند، قضات ضمن برخورداری از توان علمی، تجربه و شم قضایی، استقلال و سلامت لازم در آنها باشد و بر اساس شایسته‌سالاری احکام قضایی صادر شود و مردم حق استفاده از وکیل در فرایند دادرسی بدون تبعیض داشته باشند، مدیران کلان نظام قضایی از سواد و تجربه قضایی برخوردار باشند، سرعت لازم به رسیدگی فراهم می‌شود و در عین حال بدون این که بجخواهییم دقت را فدای سرعت کنیم

به پرونده‌ها رسیدگی عادلانه خواهد شد. خداییان: به عنوان یک نمونه خدمت شما عرض کنم که اصلاح ماده ۴۵۰قانون آیین دادرسی کیفری مبنی بر ضرورت حضور طرفین پرونده در دادگاه و طولانی شدن روند رسیدگی به پرونده در دستور کار است. مسلماً در برخی پرونده‌ها حضور طرفین واجب است اما در برخی دیگر نیازی نیست و متأسفانه در این ماده تکلیف شده است باید طرفین در دادگاه حضور داشته باشند. ما درصدد اصلاح این قانون و به تبع کاهش زمان رسیدگی به پرونده‌ها هستیم. اصلاح این قبیل قوانین که ضرورت صدرصدی ندارند، از موجدیات کاهش پروسه رسیدگی قضایی است.

کاظمی: تصویب ماده ۴۵۰ در سال ۹۴ یکی از عوامل تراکم پرونده‌ها و اطلاع رسیدگی شده‌است. به نظر بنده محدودیت‌های ماده

۴۵۰ ضروری نیست و بارها این‌موضوع را با مسئولان قضایی مطرح کرده‌ام. در صدد هستیم قوه قضائیه این لایحه را به مجلس تقدیم کند تا اصلاح این ماده به فوریت بررسی شود.

محمدنوبی: و کلاً در مجتمع‌های قضایی به مردم به طور رایگان خدمت می‌کنند. ما سال‌هاست در کانون و محافل قضایی پیشینه‌ساز داده‌ایم که حضور و کیل برای تنظیم شکوائیه را واجب کنند تا از بخشی از اطلاع دادرسی جلوگیری شود اما هم تعداد و کلاّی حاضر در مجتمع‌های قضایی کافی نیست، هم خود مردم به دلایل متعدد رغبتی به مراجعه به کارشناس نشان نمی‌دهند.

ایراد اساسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، جرم‌انگاری وسیع آن است

لذا مصادیق آن بسیار زیاد است. به عنوان مثال از دل اصطلاح «خشونت روانی» می‌توان بیش از ده‌ها عنوان مجرمانه استخراج کرد. خداییان با اظهار اینکه تأکید در نظام حقوقی با لایحه‌ای با این حجم وسیع از جرم‌انگاری روبه‌رو نبوده‌ایم خاطر نشان کرد: در حقوق جزا و جرم‌انگاری



نیز در جاتی از تویخ تا وعظ و نصیحت دارد.

آرژانتین

مجتبی قاسمی*

معرفی شاخص‌های اطلاع دادرسی

فرآیند قضایی متشکل از دامنه‌ای گسترده از اقدامات است که از تشکیل یک پرونده تا صدور و اجرای حکم توسط مرجع صالح در دربرمی‌گیرد. به بیانی ساده مدت زمان رسیدگی به پرونده قضایی (Disposition Time)، مدت زمان لازم برای انجام فرآیند مذکور است. مدت زمان رسیدگی (Clearance Rate) به پرونده‌های قضایی در کنار نرخ رسیدگی به پرونده‌ها، یکی از مهم‌ترین‌نماگرهای عملکرد واحدهای قضایی (Court’s Performance Indicator) است. در فرآیند رسیدگی به پرونده‌های قضایی، ممکن است واحدهای قضایی بسیاری از جمله دادرسا، دادگاه‌های بدوی، دادگاه‌های تجدیدنظر و شعب اجرای احکام درگیر باشند. در مواردی نیز ممکن است رسیدگی در واحدهای قضایی که در ابتدای زنجیره دادرسی قرار دارند به پایان برسد و فاقد حکمی باشد که نیاز به رسیدگی سایر واحدهای قضایی در زنجیره دادرسی باشد. به عنوان مثال تنها ۳۰درصد از پرونده‌های کیفری ورودی به دستگاه قضایی شامل احکامی هستند که به شعب اجرای احکام کیفری می‌روند. این امر بدان معناست که هر شاخصی از مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها بیانگر یک تصویر کلی است و ممکن است با تجربه فردی شهروندان از دستگاه قضایی متفاوت باشد. در بررسی و تبیین مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی اولین و شاید مهم‌ترین گام شناخت شاخص‌های اندازه‌گیری مدت زمان رسیدگی به پرونده‌است که هدف اصلی نوشتار حاضر می‌باشد.

برای اندازه‌گیری مدت زمان رسیدگی به پرونده قضایی در هر یک از واحدهای قضایی که در ادبیات حقوقی ایران از آن به اطلاع دادرسی نیز یاد می‌شود یکی از دو روش زیر مورد استفاده قرار می‌گیرد:

• در روش اول به سادگی متوسط مدت زمان رسیدگی به پرونده‌ها در یک دوره زمانی مشخص (معمولاً سال) محاسبه می‌شود که البته این امر مستلزم دسترسی به ریزداده‌های (Micro data) مربوط به زمان ورود و خروج تمام پرونده‌ها به واحد قضایی است. دسترسی به این داده‌ها ممکن است به سادگی میسر نباشد. (در مواردی نیز ممکن است بنا به هر دلیلی تاریخ ورود یک پرونده با تأریخ ثبت آن در سیستم قضایی یکسان نباشد که در این صورت متوسط مدت زمان برآوردی برای رسیدگی به پرونده‌ها از میزان واقعی آن کمتر خواهد بود.)

• در روش دوم از داده‌های کلان (Macro data) مربوط به میزان پرونده‌های خروجی (Resolved Cases) و مانده (Pending Cases) در یک دوره مشخص (معمولاً سال) برای برآورد رسیدگی برای مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی استفاده می‌شود. در اینجا شاخص مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، برآوردی از مدت زمان لازم برای منخومه کردن یک پرونده (از زمان تشکیل تا اجرای حکم) را دربرمی‌گیرد. زمانی که در مورد عملکرد یک واحد قضایی (مانند دادگاه‌های بدوی) بحث می‌شود، آنچه مهم است میزان پرونده‌های خروجی از آن واحد قضایی است. برخی از این پرونده‌ها خروجی ممکن است منخومه باشند و برخی دیگر نیز ممکن است منخومه نبوده و به سایر واحدهای قضایی (مانند دادگاه‌های محکم) برای مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی استفاده می‌شود. در اینجا شاخص مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، برآوردی از مدت زمان لازم برای منخومه کردن یک پرونده (از زمان تشکیل تا اجرای حکم) را دربرمی‌گیرد. زمانی که در مورد عملکرد یک واحد قضایی (مانند دادگاه‌های بدوی) بحث می‌شود، آنچه مهم است میزان پرونده‌های خروجی از آن واحد قضایی است. برخی از این پرونده‌ها خروجی ممکن است منخومه باشند و برخی دیگر نیز ممکن است منخومه نبوده و به سایر واحدهای قضایی (مانند دادگاه‌های محکم) برای مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی استفاده می‌شود. در اینجا شاخص مدت زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی، برآوردی از مدت زمان لازم برای منخومه کردن یک پرونده (از زمان تشکیل تا اجرای حکم) را دربرمی‌گیرد. زمانی که در مورد عملکرد یک واحد قضایی (مانند دادگاه‌های بدوی) بحث می‌شود، آنچه مهم است میزان پرونده‌های خروجی از آن واحد قضایی است.

نوع پرونده‌های ورودی به سیستم قضایی (کیفری و غیر کیفری) برآورد کرد. در مورد اول صرفاً عملکرد همان واحد قضایی در رسیدگی به پرونده‌ها اهمیت دارد، حال آنکه در مورد دوم عملکرد تمام واحدهای قضایی که در زنجیره دادرسی قرار دارند اهمیت پیدا خواهد کرد. به عنوان مثال در فرآیند رسیدگی به پرونده‌های کیفری در سیستم قضایی ایران ممکن است عملکرد زمانی دادرس‌های عمومی و انقلاب صد میلیون تومانی مواد قرارداد دست‌نویسی را امضا می‌کنند که تمام مندر جانش به ضرر خودشان است. مردم از حقوق خود آگاه نیستند و دولت هم به تنهایی از پس آگاه کردن مردم قضات و شعبات و افزایش دهب، قطعیت کار از تضمین کند تا هر کس به هر بهانه‌ای نسبت به اعاده دادرسی یا سایر اقدامات مقرر در قانون مجز به اعتراض دادخواهی آن هم پس از صدور قطعی اقدام نکند.

در کشور ما تاکنون آسیب‌شناسی اطلاع دادرسی

آن گونه که باید، انجام نشده است. بارها ملاحظه شده که با تغییرات سریع در قوانین شکلی، قانونی و ماهوی حقوق‌دانان کشور به دلیل تکثر و تراکم در صدور احکام قضایی و مدنی دچار نوعی سرگردانی و سردرگمی شده‌اند. به این که قوانین لاجق باعث نسخ و الغای قوانین سابق می‌شوند حقوق‌دانان بیشتر با ابهام در قانون جدید مواجهند.

قولین مصوب مجلس شورای اسلامی به علت این‌که سابق‌الغنا می‌شود و سردرگمی ایجاد به وجود می‌آید و برداشت قضات از آنها متفاوت خواهد بود.

مستولان حول محور آمار تمرکز می‌کردند، رسیدگی‌ها به سرعت و بدون تحقیق و دقت کافی انجام می‌شد و بخش مهمی از آنها در دادگاه تجدیدنظر نقض می‌شد، لذا در این مورد نمی‌توان آمار دقیقی داد.

ایراد اساسی لایحه تأمین امنیت زنان در برابر خشونت، جرم‌انگاری وسیع آن است

لذا مصادیق آن بسیار زیاد است. به عنوان مثال از دل اصطلاح «خشونت روانی» می‌توان بیش از ده‌ها عنوان مجرمانه استخراج کرد. خداییان با اظهار اینکه تأکید در نظام حقوقی با لایحه‌ای با این حجم وسیع از جرم‌انگاری روبه‌رو نبوده‌ایم خاطر نشان کرد: در حقوق جزا و جرم‌انگاری



«استاد یار حقوق و اقتصاد دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی